

غفلت - ۲۲

عوامل غفلت

۱۲ و ۱۳ - اموال و اولاد

اموال و اولاد به خودی خود غافل کننده انسان نیست ولی می تواند عاملی باشد برای این موضوع، برای این خداوند به مؤمنین هشدار می دهد که مراقب این مسئله باشند.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ» - ای کسانی که ایمان آورده اید! اموال و فرزندان تان شما را از یاد خدا غافل نکنند! و کسانی که چنین کنند، زیانکارانند! (منافقون/۹)

اما از طرفی خداوند از کسانی یاد می کند که اموال و اولاد سبب غفلت آن ها نمی شود:

«رِجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ» - مردانی که نه تجارت و نه معامله ای آنان را از یاد خدا و برپاداشتن نماز و ادای زکات غافل نمی کند آن ها از روزی می ترسند که در آن، دل ها و چشم ها زیر و رو می شود. (نور/۳۷)

چند نکته:

۱- در آیه اول خطاب به مؤمنان است و مؤمن دارای دو ویژگی است:

الف) پذیرش ولایت

عَنْ سُفْيَانَ بْنِ السَّمْطِ قَالَ: سَأَلَ رَجُلٌ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنِ الْإِسْلَامِ وَالْإِيمَانِ مَا الْفَرْقُ بَيْنَهُمَا فَلَمْ يُجِبْهُ ثُمَّ سَأَلَهُ فَلَمْ يُجِبْهُ ثُمَّ اتَّقِيَا فِي الطَّرِيقِ وَ قَدْ أَرَفَ مِنَ الرَّجُلِ الرَّحِيلُ فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع كَأَنَّهُ قَدْ أَرَفَ مِنْكَ رَجِيلٌ فَقَالَ نَعَمْ فَقَالَ فَالْقِيَا فِي الْبَيْتِ فَلَقِيَهُ فَسَأَلَهُ عَنِ

الإِسْلَامَ وَ الإِيْمَانَ مَا الْفَرْقُ بَيْنَهُمَا فَقَالَ - الإِسْلَامُ هُوَ الظَّاهِرُ الَّذِي عَلَيْهِ النَّاسُ شَهَادَةٌ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُوْلُهُ وَ إِقَامُ الصَّلَاةِ وَ إِيْتَاءُ الزَّكَاةِ وَ حُجُّ الْبَيْتِ وَ صِيَامُ شَهْرِ رَمَضَانَ فَهَذَا الإِسْلَامُ وَ قَالَ الإِيْمَانُ مَعْرِفَةُ هَذَا الأَمْرِ مَعَ هَذَا فَإِنْ أَقْرَبَهَا وَ لَمْ يَعْرِفْ هَذَا الأَمْرَ كَانَ مُسْلِمًا وَ كَانَ ضَالًّا.

سفیان بن سبط گوید: مردی از امام صادق علیه السلام پرسید: میان اسلام و ایمان چه فرق است؟

حضرت جوابش فرمود،

سپس سؤال کرد،

باز جوابش فرمود،

آنگاه روزی در میان راه به یکدیگر برخوردند و کوچ کردن آن مرد نزدیک شده بود،

امام صادق علیه السلام به او فرمود: گویا کوچ کردنت نزدیک شده است،

عرض کرد: آری،

فرمود: در خانه مرا دیدار کن.

آن مرد به دیدارش رفت و از آن حضرت فرق میان اسلام و ایمان را پرسید.

حضرت فرمود: اسلام همین صورت ظاهری است که مردم دارند، یعنی شهادت

دادن به این که شایسته پرستشی جز خدای یگانه بی شریک نیست و این که محمد

بنده و رسول اوست و گزاردن نماز و دادن زکات و حج خانه کعبه و روزه ماه

رمضان. این است اسلام.

اما ایمان؛ معرفت این امر (ولایت) است با این (صورت ظاهری که بیان شد)

پس اگر کسی به آن‌ها اقرار کند و به این امر (ولایت) عارف نباشد، مسلمان است

و گمراه.

الكافی (ط - الإسلامیة) ج ۲ ص ۲۴

ب) ترک گناه

عَنْ عَبْدِ الرَّحِيمِ الْقَصِيرِ قَالَ: كَتَبْتُ مَعَ عَبْدِ الْمَلِكِ بْنِ أَعْيَنَ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ أَسْأَلُهُ عَنِ الْإِيمَانِ مَا هُوَ فَكَتَبَ إِلَيَّ مَعَ عَبْدِ الْمَلِكِ بْنِ أَعْيَنَ سَأَلْتُ رَحِمَكَ اللَّهُ عَنِ الْإِيمَانِ وَ الْإِيمَانُ هُوَ الْإِقْرَارُ بِاللَّسَانِ وَ عَقْدُ فِي الْقَلْبِ وَ عَمَلٌ بِالْأَرْكَانِ وَ الْإِيمَانُ بَعْضُهُ مِنْ بَعْضٍ وَ هُوَ دَارٌ وَ كَذَلِكَ الْإِسْلَامُ دَارٌ وَ الْكُفْرُ دَارٌ فَقَدْ يَكُونُ الْعَبْدُ مُسْلِمًا قَبْلَ أَنْ يَكُونَ مُؤْمِنًا وَ لَا يَكُونُ مُؤْمِنًا حَتَّى يَكُونَ مُسْلِمًا - فَأَلِإِسْلَامَ قَبْلَ الْإِيمَانِ وَ هُوَ يُشَارِكُ الْإِيمَانَ فَإِذَا أَتَى الْعَبْدُ كَبِيرَةً مِنْ كِبَائِرِ الْمَعَاصِي أَوْ صَغِيرَةً مِنْ صَغَائِرِ الْمَعَاصِي الَّتِي نَهَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَنْهَا كَانَ خَارِجًا مِنَ الْإِيمَانِ سَاقِطًا عَنْهُ اسْمُ الْإِيمَانِ وَ ثَابِتًا عَلَيْهِ اسْمُ الْإِسْلَامِ فَإِنْ تَابَ وَ اسْتَعْفَرَ عَادَ إِلَى دَارِ الْإِيمَانِ وَ لَا يُخْرِجُهُ إِلَى الْكُفْرِ إِلَّا الْجُحُودُ وَ الْإِسْتِخْلَالُ أَنْ يَقُولَ لِلْحَلَالِ هَذَا حَرَامٌ وَ لِلْحَرَامِ هَذَا حَلَالٌ وَ دَانَ بِذَلِكَ فَعِنْدَهَا يَكُونُ خَارِجًا مِنَ الْإِسْلَامِ وَ الْإِيمَانِ دَاخِلًا فِي الْكُفْرِ وَ كَانَ بِمَنْزِلَةِ مَنْ دَخَلَ الْحَرَمَ ثُمَّ دَخَلَ الْكَعْبَةَ وَ أَخَذَتْ فِي الْكَعْبَةِ حَدَثًا فَأُخْرِجَ عَنِ الْكَعْبَةِ وَ عَنِ الْحَرَمِ فَضُرِبَتْ عَنْقُهُ وَ صَارَ إِلَى النَّارِ.

عبد الرحيم قصير گوید: نامه‌ای به امام صادق علیه‌السلام نوشتم که سؤال کرده بودم: ایمان چیست؟ و توسط عبدالملک بن اعین فرستادم، حضرت نوشت و توسط عبدالملک فرستاد که:

از ایمان پرسش کردی - خدایت رحمت کند - ایمان اقرار نمودن به زبان و تصمیم قلبی و عمل نمودن با اعضاء و جوارح است، ایمان اجزایی دارد به هم پیوسته و مانند خانه‌ای است (که سقف و در و دیوارش به هم پیوسته است) همچنين اسلام مانند خانه‌ای است و کفر هم مانند خانه‌ای است.

گاهی بنده مسلمان است، پیش از آن که مؤمن باشد (مسلمان است و هنوز مؤمن نشده) ولی مؤمن نشود، جز آن که مسلمان باشد، پس اسلام پیش از ایمان است و شریک ایمان، و چون بنده گناه کبیره یا صغیره‌ای را که خدای عز و جل از آن نهی فرموده مرتکب شود، از ایمان خارج شود، و اسم ایمان از او برداشته و اسم اسلام بر او گذاشته شود، سپس اگر توبه و استغفار کند، به خانه ایمان برگردد و جز انکار و

استحلال او را به سوی کفر نبرد، و استحلال اینست که: به چیز حلال بگوید: این حرام است و به چیز حرام بگوید: این حلال است و به آن عقیده پیدا کند، آن گاه است که از اسلام و ایمان خارج گشته و در کفر وارد شود و مانند کسی است که داخل حرم (مسجد الحرام) گشته و سپس داخل کعبه شود و در کعبه حدیثی صادر کند، و از کعبه و حرم اخراج گشته و گردنش زده و به دوزخ رفته باشد.

الکافی (ط - الإسلامیة) ج ۲ ص ۲۷

۲- قرآن درباره‌ی کسانی که اموال و اولاد خود را بیشتر از خدا و رسول و تلاش در راه خدا دوست دارند می‌فرماید:

قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِنُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ

بگو: اگر پدران و فرزندان و برادران و همسران و طایفه شما، و اموالی که به دست آورده‌اید، و تجارتی که از کساد شدنش می‌ترسید، و خانه‌هایی که به آن علاقه دارید، در نظرتان از خداوند و پیامبرش و جهاد در راهش محبوب‌تر است، در انتظار باشید که خداوند عذابش را بر شما نازل کند؛ و خداوند جمعیت نافرمان‌بردار را هدایت نمی‌کند! (توبه/۲۴)

۳- قرآن اموال و اولاد را فتنه و وسیله‌ای برای آزمایش معرفی می‌کند:

وَاعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَاللَّهُ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ

و بدانید اموال و اولاد شما، وسیله آزمایش است؛ و (برای کسانی که از عهده امتحان برآیند)، پاداش عظیمی نزد خداست! (انفال/۲۸)

إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَاللَّهُ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ

اموال و فرزندان‌تان فقط وسیله آزمایش شما هستند؛ و خداست که پاداش عظیم نزد اوست! (تغابن/۱۵)